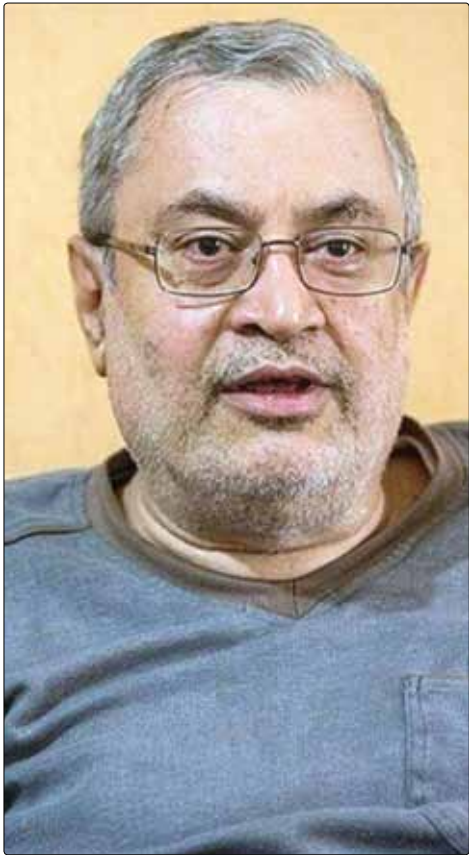


■ **مواضع اصلاح‌طلبان در طول ۴ سال گذشته** مبین این نکته است که اساسا این جریان تمام تلاش خود را معطوف به آغاز دور جدید مذاکرات در دولت عهدشکن آمریکا کرده بود و اساسا اگر این مذاکرات نیز آغاز نشد، حاصل تدبیر رهبر حکیم انقلاب بود؛ تبدیری که اگر نبود یقینا امروز و در پایان دوره زمامداری ترامپ، کشور مان میراث‌دار یک شکست و بی‌آبرویی بود که عملا به دولت بایدن نیز برای تحمیل فشارهای بیشتر چراغ سبز نشان می‌داد



«وطن امروز» کارنامه اصلاح‌طلبان در فشار به نظام برای مذاکره با ترامپ را باز خوانی کرد

اصلاحات اینگونه ترامپید

گروه سیاسی: پیروزی جو بایدن، کاندیدای حزب دموکرات در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا با واکنش‌هایی قابل پیش‌بینی از سوی رسانه‌های حامی دولت و چهره‌های دولتی همراه شد تا آنها با فال نیک گرفتن این انتخاب، بار دیگر نسخه مطلوب سیاست خارجی خود در قالب لزوم عقب‌نشینی حداکثری را مطرح کنند. آنها این روزها در حالی تلاش می‌کنند با ترامپیست خواندن منتقدان سیاست خارجی دولت، ادعای بدون سند و خنده‌دار همسویی نیروهای انقلابی با ترامپ را مطرح کنند که اساسا کارنامه آنها در ۴ سال گذشته و مواضع متعددی که پیرامون لزوم عقب‌نشینی در برابر ترامپ داشته‌اند، از حافظه مردم پاک نشده است.

به گزارش «وطن امروز»، حضور هفته گذشته وزیر امور خارجه در مجلس و دریافت کارت زرد از نمایندگان به علت موضع ضدملی سال‌ گذشته‌اش در گفت‌وگو با مجله آلمانی انشپگل، بار دیگر مواضع پیشین دولتی‌ها پیرامون لزوم مذاکره با ترامپ را در کانون توجهات افکار عمومی قرار داد. اصلاح‌طلبان و مقامات دولتی در حالی این روزها مشغول ارائه تفسیرهای جدید از لزوم مغتنم شمردن فرصت بایدن و حماسه‌سرایی پیرامون پایان دوره ریاست‌ترامپ بر کاخ سفید هستند که از شخص وزیر امور خارجه تا تمام چهره‌های برجسته حامی دولت در ۴ سال گذشته از هیچ تلاشی برای وادار کردن نظام به عقب‌نشینی در برابر ترامپ فروگذاری نکرده‌اند. در معروف‌ترین این تلاش‌ها که سرانجام منجر به دریافت کارت زرد نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی شد، پهن‌ماه سال گذشته تنها چند هفته پس از اقدام تروریستی دولت آمریکا در به شهادت رساندن سردار قاسم سلیمانی، محمدجواد ظریف در گفت‌وگو با مجله آلمانی انشپگل این حادثه را نیز مانعی در برابر مذاکره با آمریکایی‌ها ندانست. وی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا مذاکره با آمریکا

پس از ترور ژنرال سلیمانی را غیرمحتمل می‌دانید؟ اظهار داشت: «خیر ما من هرگز چنین امکانی را رد نمی‌کنیم، به شرط آنکه آنها رویکرد خود را تغییر دهند و واقعیات را به رسمیت بشناسند. از نظر ما مهم نیست چه کسی در کاخ سفید می‌نشیند، چیزی که اهمیت دارد نحوه رفتار آنهاست. دولت ترامپ می‌تواند گذشته‌اش را جبران کند، تحریم‌ها را بردارد و به میز مذاکره بازگردد. ما کماکان بر سرس میز مذاکره هستیم». ظریف در حالی در این گفت‌وگو تلاش کرد مانع بسته شدن آخرین روزنه‌های امید برای گفت‌وگو با ترامپ شود که ترامپ ساعاتی پس از آن، با انتشار توثیقی توهین‌آمیز، پیشنهاد وزیر امور خارجه را رد کرد و نوشت: «وزیر خارجه ایران می‌گوید خواستار مذاکره با ایالات متحده است اما می‌خواهد تحریم‌ها برداشته شود. نه، مرسی!» هر چند ظریف در پاسخ به نمایندگان سعی کرد این موضع ضدملی را با طبع پیشرفته‌تری توضیح دهد اما در نهایت نمایندگان مجلس از توضیحات وی قانع نشدند تا وزیر امور خارجه از نمایندگان مردم کارت زرد دریافت کند.

■ **کارگزاران داخلی ترامپ**

با تمام این توصیفات اما موضع ظریف پس از ترور شهید سلیمانی را نمی‌توان تنها شاهد مثال از همدلی اصلاح‌طلبان با

ترامپ دانست. برای نمونه مصاحبه فائزه هاشمی، عضو حزب کارگزاران سازندگی با سایت خبری انصاف‌نویز و ابراز نگرانی‌اش از پایان دوره زمامداری ترامپ در کاخ سفید به علت کاهش احتمالی فشارها به کشورمان، پرده از بسیاری از ادعاهای این جریان در انزجار از ترامپ برداشت. فائزه هاشمی در بخشی از این گفت‌وگو با اشاره به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و شکست دونالد ترامپ گفت: «من یک جایی قبلا هم گفته بودم برای ایران دوست داشتم آقای ترامپ انتخاب شود ولی اگر یک آمریکایی بودم به آقای ترامپ رای نمی‌دادم». وی در پاسخ به سؤال خبرنگار درباره چرایی تحلیلش مبنی بر بهتر بودن انتخاب ترامپ برای ایران نیز گفت: «به خاطر همین فشارهایی که می‌آورد، بالاخره شاید یک تغییر سیاسی اتفاق بیفتد. مردم هر چه تلاش می‌کنند اصلاحات انجام بگیرد «مرغ یک پا دارد» و هیچ خبری نمی‌شود و بر عکس مردم سرکوب می‌شوند. شاید اگر فشارهای آقای ترامپ ادامه پیدا می‌کرد، بالاخره ما مجبور می‌شدیم یک تغییر سیاست‌هایی را داشته باشیم. این تغییر سیاست‌ها حتما به نفع مردم می‌توانست اتفاق بیفتد. دموکرات‌ها کمی شل و ول هستند. یعنی با آمدن دموکرات‌ها این موضع خطای ما بیشتر تقویت می‌شود؛ امیدوارم نشود ولی چنین چشم‌اندازی دارد!»

اظهارات تاسف‌آور فائزه هاشمی که اعترافی آشکار به میل بخشی از اصلاح‌طلبان به تحقق هدف اصلی ترامپ یعنی فروپاشی کشورمان بود، با برخی واکنش‌ها از سوی چهره‌های اصلاح‌طلب از جمله بردار بزرگ‌ترش محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تهران مواجه شد. محسن هاشمی در حالی با انتشار یک نامه سرگشاده سعی کرد میان این رسوایی و موضع اصلاح‌طلبان فاصله بیندازد که خود نیز پیش از این و در دوران ترامپ تلاش کرده بود با ناگزیر خواندن کشور به عقب‌نشینی برابر ترامپ، در راستای اهداف آمریکاموضع بگیرد. محسن هاشمی مرداد ۹۷ و ۳ ماه پس از خروج دولت آمریکا از برجام (که روشن‌ترین مصداق برای غیرقابل اعتماد بودن این کشور به حساب می‌آمد) در گفت‌وگویی با روزنامه رسمی دولت گفته بود: «فشار تحریم‌ها که از نیمه دوم سال افزوده خواهد شد، این شرایط را سخت‌تر خواهد کرد و ما را به این نکته واقف می‌کند که نجات ایران در گرو تصمیم اسامال ما است، تصمیم سختی که ۳۰ سال قبل توسط مسؤولان کشور گرفته شد و صلحی پایدار، پرفایده و کم‌هزینه را برای ایران و نظام جمهوری اسلامی می‌آورد».

■ **فشار حداکثری ترامپیست‌ها**

مواضع اصلاح‌طلبان در راستای فشار بر نظام برای آغاز مذاکرات با ترامپ‌اما به فرزندان مرحوم هاشمی‌رفسنجانی محدود نمی‌شود و چهره‌های مختلفی از این‌جریان در طول ۴ سال گذشته تمام اهتمام خود را بر آغاز مذاکرات با

دولت آمریکا گذاشته بودند. خرداد سال ۹۷ تنها یک ماه پس از خروج دولت آمریکا از توافق هسته‌ای بود که خبر انتشار نامه ۱۰۰ فعال اصلاح‌طلب با موضوع پذیرش «مذاکره بدون پیش‌شرط» با ترامپ خبرساز شد. در بخشی از این نامه که نام غلام‌حسین کرباسچی نیز در پای آن به چشم می‌آمد، از رهبر انقلاب درخواست شده بود «فراز از جنگ‌های روانی کاخ سفید، با یک تصمیم ملی اعلام کند حاضر به انجام مذاکرات بدون قید و شرط با آمریکاست تا قدمی در راه حل مشکلات و اختلافات برداشته شود».

سعید حجازیان نیز ازدهم سال گذشته و در جریان مصاحبه با روزنامه ایران به شکل علنی راهبرد مسؤولیت‌زدایی از دولت را با پیش کشیدن این فرض که عدم مذاکره با ترامپ مسبب وضعیت موجود شده است، آغاز کرد. وی در بخشی از مصاحبه مذکور گفته بود: «فرض کنیم آقای روحانی تصمیم بگیرد با رئیس‌جمهوری آمریکا دیدار کند و ترامپ را به آرزوی دیرینه‌اش یعنی عکس یادگاری برساند. اگر روحانی این تصمیم را بر اساس برداشت و تحلیل شخصی‌اش بگیرد، عملی نادرست مرتکب شده، چون صرفا خود را قربانی کرده است اما همین عمل ممکن است در حالتی دیگر درست و دقیق باشد. اگر عقل جمعی کابینه و نظره‌ای کارشناسی، مذاکره را توصیه کند و حساب آوردند، نه با مثلا به استعفا گره بزند و حتی رضایت جمعی از نمایندگان مجلس را هم جلب کند، همان عمل نادرست، موجه می‌شود، زیرا پس از مذاکره احتمالی روحانی- حتی بردار

استجازه- که ممکن است هر عاقبتی را در پی داشته باشد، هزینه‌ها سرشکن شده است». در نمونه‌ای دیگر هفته‌نامه «صداء» ارگان مکتوب حزب اتحاد ملت که پیش از این با طرح «دوراهی جنگ و صلح» عملا تبدیل به دستگاه پروپاگاندای ترامپ برای ایجاد حساسیت در فضای عمومی شده بود، چندی پیش و پس از آنکه تصویر برخورد تحقیرآمیز ترامپ با رئیس‌جمهور صربستان در رسانه‌های جهان خبرساز شد و فعالان شبکه‌های اجتماعی آن را تصویری نمادین از مناسبات آمریکا با دیگر کشورهای به حساب آوردند، در درج مطلبی با عنوان «ناسیونالیسم ارواره» در ذیل عکس مورد بحث نوشت: «اما آیا واقعا اقداماتی از جنس نخستن رئیس‌جمهور صربستان را باید مایه سرساری او و ملتش دانست؟ حتی فرض کنیم ادعای روسیه و راست‌گرایان درست باشد و سیاستمدار صرب همچون ترمپ در اتاق بازجویی و حتی یک پره مقابل همتای آمریکایی خود نشست است؛ آیا اگر منافع صربستان چنین اقتضا کند باید اقدام رئیس‌جمهور این کشور را تمسخر کرد؟ یا باید آن را شجاعتی اخلاقی و عقلایتی سیاسی خواند که در جهت جمهوری‌خواه ترانسپ نیز در تقابل با نظام و اتخاذ شده است؟»

مگری که به خود آمریکا بازگشت

برده و حتی جهت شکل‌دهی دوران «پساجمهوری اسلامی» نیز مساموریت‌هایی را به اتاق‌های فکر وابسته به خود داده بودند! سرانجام در نهم دی‌ماه سال ۱۳۸۸، با یک اشاره و فرمان رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی ایران، تومار فتنه و فتنه‌گران در هم پیچیده شد و حماسه‌ای جولان و «سرنوشت‌ساز» در صفحات تاریخ ایران و انقلاب رقم خورد. پس از این حماسه بزرگ، تلاش‌های بعدی دولت دموکرات اوپابسا و دولت جمهوری‌خواه ترانسپ نیز در تقابل با نظام و ملت ایران ناکام ماند.

بدون شسک دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان آمریکایی هر گز ترانسپ نمی‌کردند که روزی ناچار به اعلام «وضعیت اضطراری داخلی» در وااشنگتن، پایتخت آمریکا شده و با مقامات ارشد پلیس فدرال و گارد ملی جهت بیرون راندن معترضان آمریکایی از ساختمان کنگره وارد مذاکره شوند! «کس تیلرسون» وزیر اسبق خارجه آمریکا یک سال قبل در سخنانی به مقامات هر ۲ حزب سنتی آمریکا هشدار داد که کشور (آمریکا) در آستانه وقوع یک جنگ داخلی تمام‌عیار قرار دارد. علاوه بر تیلرسون، بسیاری از جامعه‌شناسان و تحلیلگران آمریکایی نیز شکاف ایجادشده در «جامعه آمریکایی» را در طول دوران حیات این کشور بی‌سابقه دانسته‌اند. فراتر از آن،

■ **چه کسی مانع تحقق هدف ترامپ شد؟**

روحانی، ظریف و اصلاح‌طلبان این روزها در حالی خود را شریک پیروزی بایدن به حساب می‌آورند و دنبال آن هستند با تبدیل کردن این پیروزی به یک «موقعیت استثنایی» در افکارعمومی فضا را برای عقب‌نشینی در برابر زیاده‌خواهی احتمالی دموکرات‌ها آماده کنند که اساسا آنها در تمام ۴ سال زمامداری ترامپ به دنبال آغاز مذاکرات با وی بودند. به عبارت دیگر اگر کسی هم این روزها بخواهد پیروزی بایدن را به عنوان یک فرصت تفسیر کند، آن شخص از میان اصلاح‌طلبانی که همه تلاش‌شان را برای آغاز مذاکرات با ترامپ کردند، نیست. در این میان فراتر از مصادیقی که تا اینجا به آنها اشاره شد، باید به دنبال ردیاب شخص روحانی در نشان دادن چراغ سبز مذاکراتی گشت. برای نمونه دیدار سال گذشته آبه شینزو، نخست‌وزیر سابق ژاپن با رهبر حکیم انقلاب درشرایطی که حامل پیام آمریکا برای طرف ایرانی نیز بود، اهمیت فراوانی در معادلات میان ۲ کشور داشت. جریان غرب‌گرا در تلاش بود این ارسال پیام از سوی آمریکا را تحت هر شرایطی مبدل به یک‌فرصت مذاکراتی کند اما با واکنش رهبر حکیم در جریان دیدار با آبه شینزو رویه‌ور شد. در این میان جان بلتون در کتاب «اتاقی که ماجرا می‌پردازد که گویای تلاش برخی در دولت برای راضی نگه داشتن حامل پیام آمریکاست. در بخشی از این کتاب با یادآوری این دیدار نوشته است: «نتیجه واضح بود: مأموریت آبه شکست خورده بود. ایران عملا به صورت آبه سیلی زده بود. با این وجود، ژاپنی‌ها این مساله را تکذیب می‌کردند؛ شاید سعی داشتند از آبه در مقابل تحقیری دفاع کنند که به اصرار ترامپ با آن مواجه شده بود. من و میمتو ساعت ۱۵:۱۲ با ترامپ دیدار کردیم و من توثیبت‌های آیت‌الله‌آخمنه‌ای را به او نشان دادم. سپس دوباره یک سخنرانی طولانی درباره اینکه کری مانع از مذاکره او با ایران می‌شود، ایراد کرد. صبح جمعه، آبه گزارشی شخصی از سفرش به ترامپ داد؛ گفت هیچ تمایلی در روحانی با آیت‌الله‌آخمنه‌ای برای گفت‌وگو با آمریکایی‌ها پیش از برداشتن تحریم‌های اقتصادی مشاهده نکرده است. آبه دست‌کم از اینکه ایران فوراً این ملاقات را علنی کرده گلايه داشت اما باز هم معتقد بود روحانی واقعا خواهان گفت‌وگو با آمریکاست و درباره اینکه روحانی چگونه پس از ملاقات آبه با آیت‌الله‌آخمنه‌ای، در راهرو دنبال آبه دویده تا به او بگوید برداشتن تحریم‌ها می‌تواند به گشایش باب گفت‌وگو کمک کند، سخن‌سرایي کرد».

در پایان، همین بررسی اختصاری مواضع اصلاح‌طلبان در طول ۴ سال گذشته مبین این نکته است که اساسا این جریان تمام تلاش خود را معطوف به آغاز دور جدید مذاکرات در دولت عهدشکن آمریکا کرده بود و اساسا اگر این مذاکرات نیز آغاز نشد، حاصل تدبیر رهبر حکیم انقلاب بوده است؛ تبدیری که اگر نبود یقینا امروز و در پایان دوره زمامداری ترامپ، کشورمان میراث‌دار یک شکست و بی‌آبرویی بود که عملا به دولت بایدن نیز برای تحمیل فشارهای بیشتر چراغ سبز نشان می‌داد.

بایدن؛ ترامپ سیاستمدار و شیک پوش



سارا هوشمندی: سرانجام پس از ماجراهای عجیب ۲ ماه و نیم اخیر، جو بایدن ۷۸ ساله که از ۴۰ سال قبل در جوانی سودای ریاست‌جمهوری داشت و همواره در

انتخابات درون حزبی مغلوب رقبایش می‌شد، به عنوان چهل‌وششمین رئیس‌جمهور ایالات متحده وارد کاخ سفید شد. در آستانه آغاز دوره جدید ریاست‌جمهوری آمریکا، اغلب رسانه‌های آمریکا و اروپا، صفحات و ستون‌های ویژه خود را به ارزیابی نخستین اقدام زمامدار جدید کاخ سفید یعنی انتخاب یارانش اختصاص می‌دهند، البته درباره «جو بایدن» در همه این ارزیابی‌ها بر این نکته تأکید می‌شود که وی رئیس‌جمهوری است که با سودای «تغییر وجهه مخدوش آمریکای ترامپ در خارج و اصلاح مسیر مدیریت سیاسی در داخل قدرت» آمده است.

اغلب کارشناسان در قضاوت‌های‌شان نسبت به چگونگی زمامداری بایدن با احتیاط برخورد می‌کنند؛ دلیل آن نیز روشن است. اکثریت مردم آمریکا وقتی با شور و اشتیاق، رئیس‌جمهور تروریست، تاجر مسلک و دیوانه خود را از قدرت به زیر کشیدند، حاضر نیستند به این راحتی از اهداف خود دست بکشند. این جریان، طیف وسیعی از نخبگان، روزنامه‌نگاران و شهروندان عادی را دربر می‌گیرد. آنها خواهسته‌های مشخصی دارند و این خواهسته‌های خود را در قالب ادبیاتی روشن بیان می‌کنند. در صحنه سیاست، اندیشه‌های این جریان در قالب مفاهیمی مثل تبدیل سیاست‌های آمریکا از یکجانبه‌گرایی به مشارکت‌جویی، از تروریسم (بویژه ترور سردار مجاهد شهید حاج‌قاسم سلیمانی) به دیپلماسی و از زورمحوری به قانون‌محوری بروز و ظهور می‌یابد.

بنابراین صرف‌نظر از اینکه رهبران دموکرات‌ها با آوردن یک سیاستمدار پیر را- که از ۴۰ سال پیش، قبل از روی کار آمدن «جیمی کارتر» همواره گزینه نامزدی ریاست‌جمهوری بوده است- به صورت یک تانکتیک یا استراتژی دنبال کنند، گرایش افکار عمومی و نخبگان آمریکا به سمت سرنگونی ترامپ، یک امر واقعی و غیرقابل انکار بود، لذا طبیعی است همچنان در همه سخن‌ها درباره بایدن و تیم گرداننده کاخ سفید به عبارت «سقوط ترامپ» اشاره شود. در حالی که برخی رسانه‌های متعلق به جناح میلیتاریست‌های آمریکا(جمهوری‌خواهان) سعی می‌کنند پیروزی بایدن در انتخابات آن هم با بالاترین رأی در تاریخ ایالات متحده را خواسته‌شورهای رقیب آمریکا وانمود کنند اما دست‌کم از سلسله‌مقالات رسانه‌های سرشناس آمریکا که این روزها به قلم نخبگان این کشور منتشر می‌شود، پیداست جامعه آمریکا وضعیت امروز و فردای رهبر دموکرات‌ها را فقط با یک معیار اندازه‌گیری می‌کند و آن اینکه او چه میزان در اندیشه‌ها، تصمیم‌ها و اقدامات نادرست دوران ۴ساله نوحافظه‌کاران عجیب و رئیس‌جمهوری غریب، دگرگونی ایجاد می‌کند. در همه مراحل کار بایدن، آمریکایی‌ها به این معیار متوسل می‌شوند؛ از تصمیم‌گیری درباره‌ی اوضاع بفرنج اقتصاد ناشی از کرونا و بیکاری بیش از ۳۰ میلیون آمریکایی گرفته تا انتصاب مقام‌های مهم و از رفتار او در قبال کشورهای رقیب و دشمن آمریکا گرفته تا حل‌وفصل پرونده مناقشاتی مثل حک‌های سایبری اخیر، حمله تروریخی حامیان ترامپ به کنگره و اختلافات با ایران بر پایتخت.

دوره آغازین رئیس‌جمهور آمریکا - چنانکه اوضاع سیاست خارجی و داخلی آن نشان می‌دهد- دورانی آکنده از بحران‌ها و چالش‌هاست. چالش‌های عصر زمامداری رئیس‌جمهور دموکرات‌ها را باید، به ۲ محور تقسیم کرد؛ یک بخش چالش‌هایی است که او از دوران رئیس سابق خود اوپاما و جانشین قاتلش ترامپ به ارث برد گرفته است. حوزه اصلی این بحران‌ها، غرب آسیا و مرکز نقل آن سوریه، عراق و افغانستان است. بحران‌های دمشق، بغداد و کابل به خودی خود به دلیل رفتارها و تصمیمات رؤسای‌جمهور اخیر آمریکا، سرمنشأ بحران دیگری شده‌اند که از آن به «شکل‌گیری جوش‌ضام‌ریکایی در منطقه غرب آسیا» یاد می‌شود. اما بخش دوم بحران‌ها به صورت ناآوارانه‌ای به طور کامل در ایام ریاست جمهوری روحانی و چون ترامپ روز کرده‌اند؛ چراهایی نه با رقبای آمریکا، بلکه با اتحادیه اروپایی!

نکته قابل تأمل در سیر رفتار رئیس‌جمهور آمریکای این است که او هر چند تلاش زیادی برای تغییر ادبیات زورمدارانه دوره ترامپ در قبال دولت‌های متعلق و موافق آمریکا به عمل آورده است اما چشم‌انداز برنامه او در پیاده کردن «آرمان‌های شهروندان آمریکا و عدلی و منطقی کردن رفتارهای این ابهام آفخته به تناقض بر اکثر سیاست‌های کاخ سفید سایه افکنده است، به طور خاصی او درباره ایران که از مسائل مهم سیاست خارجی آمریکا محسوب می‌شود، گفته بود برای حل اختلاف‌های فی‌مابین بویژه درباره موضوع هسته‌ای و بازگشت بدون پیش‌شرط به برجام، آماده است اما پس از پیروزی در انتخابات در هر مناسبتی بر استفاده از روش دیپلماسی ولی با پیش‌شرط‌های بسیار در قبال ایران تأکید می‌کند؛ نتیجه‌ی می‌گیریم حرکت بایدن در این باره از یک «بست‌اشتی‌طلبی» فراتر رفته است. برای اثبات حسن‌ظن، حداقل انتظار ایرانی‌ها این است که وی بدون هر گونه پیش‌شرطی به برجام بازگشته و غرامت سنگین اقتصادی ۳ سال اخیر ناشی از خروج غیرقانونی رئیس‌جمهور فعلی آمریکا را که ساعات آخر حضورش در این سمت را می‌گذرانند، بدون اما و اگر به ایران پرداخت کند.